

جمهوری اسلامی

چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۳۶۰ ۷ محرم ۱۴۰۲

ویژه نامه ۱۳ آبان

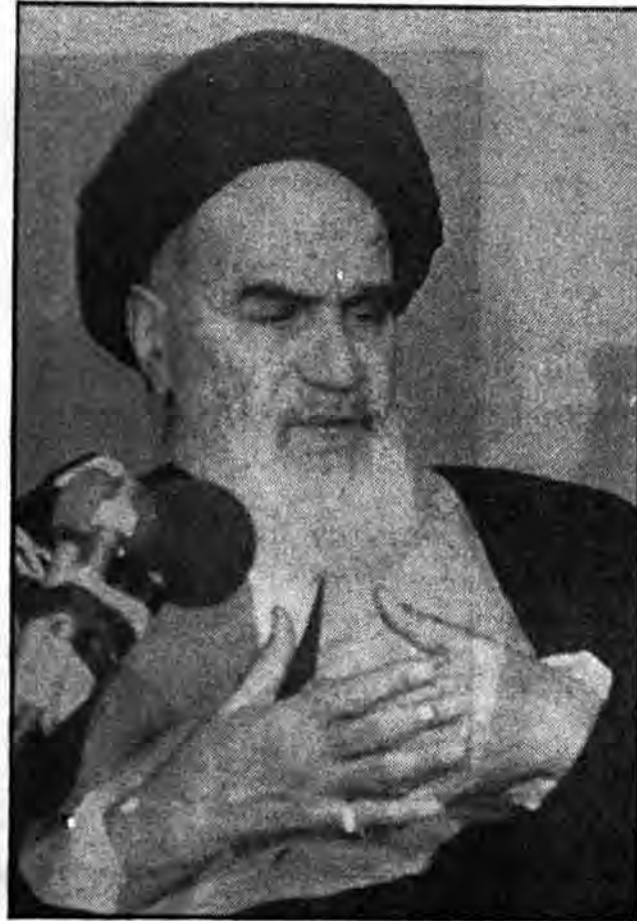


روایت تبعید

امیرالیزم خونخوار آمریکا، بدنبال تحمیل فرم اسارت بار و انقلاب سفید، بسدستاری روزنامه‌های تنگین و قلم بدستان مزدور و روشنفکران جبرخوارش، بران شد که حق حاکمیت و استقلال سیاسی ایران را نیز سبکی درهم شکسته و رژیم تنگ سنگ سار کاپیتولاسیون را بار دیگر در ایران زنده نگاهدارد.

آمریکا که با شکست فزاینده بار و تنگین شاه در نتیجه گیری از انقلاب سفید! و عدم موفقیت او در سرکوبی نهضت امام خمینی دریافته بود که بزودی انقلابی گسترده و جهانی علیه آمریکا و رژیم دست نشانده آن در ایران آغاز میگردد. خواستار احیای کاپیتولاسیون و مزایای کنسولی و قضائی برای اتباع خود در ایران گردید، تا بدینوسیله نظامیان و سرجوخه‌های مست و غریبه‌کش آمریکائی را به آمدن به ایران جهت نگهداری از منافع آمریکا و تحت و تاج شاه تشویق و ترغیب نماید.

این قانون طبیعی است در هر هجوم و مقاومت خلق، دشمنان صاهرا را محکومتر میکند. طبیعی است که با افشاکگری‌ها و مبارزات امام خمینی و دیگر روحانیون و تشکیلات و پایه ریزی هسته‌های تشکیلاتی چون جمعیت‌های مؤتلفه اسلامی، فدائیان اسلام و سایر گروه‌های بازاری و دانشگاهی، امیرالیزم آمریکا بخواد حصار خود را محکمتر بکند. در همین رابطه



در قبال این عکس‌العمل مردم به ارتش و نیروهای انتظامی دست‌ورس کوبی هرچه شدیدتر مردم راداد و در ب مغاز معدم‌های از بازاریان مسلمان و فعال را که مسبب و عامل اصلی تظاهرات تشخصی داده بود یکی گل گرفت و آنگاه شبانه سقف مغازه‌های مسزبوراشکافته و هرچه پول، اجناس و اشیای باارزش در آن بوده به یغما برد. همچنین حوزهای علمیه و نمازهای جماعت بعنوان اعتراض به بازداشت و تبعید غیرقانونی امام در قم و مشهد و تهران و بسیاری از شهرستانها بمدت بین ۱۵ تا ۳۰ روز تعطیل گردید و ضمن صدور تلگراف و اعلامیه‌ها پشتیبانی خود را از امام و اهداف مقدسه امام اعلام داشتند. همچنین مردم در قبال مقالات و توهین‌های که روزنامه‌های خود فروخته و قلم بدستان شاهنشاهی به ساخت مقدس امام میکردند دست به حمله و تهدید دفاتر و مدیران روزنامه‌ها زدند از آن جمله دفتر روزنامه «فلاح» در کرمان را مردم به آتش کشیدند. در این شرایط روزنامه‌ها و قلم بدستان مزدور و روشنفکران جیره خوار امیرالیزم، بوقاحت و بی‌شرمی را

خروش خمینی

آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است
 کارتر باید بداند که اگر این گروه به مرکز جاسوسی حمله کرده بودند اکنون از هیچیک از آنها و از ۵۰ جاسوس محبوس چیزی نبود و همه رهسپار جهنم شده بودند
 اگر آمریکا بخواهد دخالت نظامی بکند من خودم حرکت میکنم و شما ملت عزیز حرکت میکنید.
 حل این مسئله (لانه جاسوسی) بدست هیچکس جز ملت شریف ایران و مجلس شورای اسلامی منبعت از آراء ملت نیست.
 آقای کارتر باید بداند که فرستادن شاه مخلوع به مصر و عذر خواهی از اشتباهات گذشته و اعتراف به خیانت‌های آمریکا به ملت‌های مظلوم از آن جمله ایران و راه حل لانه جاسوسی را از من که یک نفر از ملت بزرگ ایران هستم خواستن به بیراهه رفتن است.
 ما از تمام کشورهای زیر سلطه برای بدست آوردن آزادی و استقلال کاملاً پشتیبانی می‌نمائیم و به آنان صریحاً می‌گوئیم که حق گرفتاری است، قیام کنید و ابرقدرتها را از صحنه تاریخ و روزگار براندازید
 دست آمریکا و سایر ابرقدرتها تا مرفق بخون جوانان ما و سایر مردم مظلوم و رزمنده جهان فرورفته است. ما تا آخرین قطره خون خویش با آنان شدیداً می‌جنگیم چرا که مرد جنگیم
 من بارها گفتم و هم اکنون اعلام میکنم که ایران باید تا قطع تمام وابستگی‌های سیاسی، نظامی-اقتصادی-فرهنگی خود از آمریکا به مبارزات قاطع خود علیه این جهانخوار بی‌رحم ادامه دهد.

این را ما به کجا ببریم که برخی از اهالی مملکت حالا که آمریکا را ملت شکست داده است باز روابط با آمریکا دارند.
 این اشغال لانه جاسوسی یک جنبه سیاسی داشت یک ارزش سیاسی داشت که همه ارزشها بیرون آن کوچک‌اند.
 تهدیدات و تبلیغات دولت آمریکا بقدر پیشیزی نزد ملت ما ارزش ندارد.
 پیام امام در مورد آزادی گروگانهای زن و سیاهپوستان

قسمتهائی از بیانات امام در رابطه با دانشجویان مسلمان پیرو خط امام
 لهذا دیدید که آنروزی که این جوانهای پیدار عزیز ما این لانه جاسوسی را گرفتند، این شیاطین به دست و پا افتادند. یکی گفت که اینها خط شیطان هستند و دنبال این کردند که ما الان اسیر آمریکا هستیم، نه اینکه نمی‌فهمیدند که نه اسیر آمریکا نیستیم. می‌خواستند که ما را از استقلال بیرون بیاورند و بدامن آمریکا بیندازند و قضیه گرفتن این محل جاسوسخانه ناگوار بود، برای آنها، برای اینکه پرونده‌های اینها ظاهر می‌شد، پیدا می‌شد، این پرونده‌ها این همه کوشش برای اینکه آنها را رها کنید برونند، ما در گرو آمریکا هستیم، اینها را بگذارید برونند، اینها، این جوانهای عزیز ما که می‌گفتند ما در خط اسلام هستیم، می‌گفتند بهشان که شما در خط شیطان هستید.
 از بیانات امام به خانواده شهدای جنایت آمریکا در ۷ تیر «قضیه گرفتن این محل جاسوسخانه ناگوار بود، برای آنها برای اینکه پرونده اینها ظاهر می‌شد»

تهیه کننده مطالب: محسن عربشاهی

«الذین اخرجون ديارهم بغير حق الا ان يقولوا ربنا الله»
 آنانکه بناحق از وطن رانده شدند هیچ جرمی نداشتند جز اینکه می‌گویند:
 «پروردگار ما خداست»
 حافظ شکایت از غم هجران چه میکنیم در هجر وصل باشد و در ظلمت است نور

چنان بعد اعلام رسانند که آیت الله نجفی مرعشی قسمت اعظم نطق خود را در ۳۳ شنبه ۱۳۴۳ اختصاص به حمله به روزنامه‌های خود فروخته داد. همچنین در مسجد مسجد عززالله بازار و مسجد صاحب الزمان روبروی پیسی کولا به دعوت جمعیت‌های مؤتلفه اسلامی متینگهای با قرائت قطعنامه داده شد. علاوه بر اینها جامعه روحانیت دست به یک سلسله فعالیت‌های دیپلماتی و تماس‌های رسمی و غیر رسمی با مقامات دولتی ایران و بعضی از مقامات خارجی برای آزادی امام زدند. طی یک تماس وزیر دربار گفته بود:
 آزاد کردن آیت الله خمینی در شرایط فعلی صلاح نیست، زیرا

صدها کماندو و چتر باز مسلح، خانه امام را محاصره کردند.
 روزنامه‌ها پس از تبعید، بوسیله مقالات و سرمقاله‌های خود، بزرگترین توهینها را به ساخت مقدس امام کردند.

رژیم شاه بدستور ارباب، بی درنگ دست به کار تصویب و انحام این پیشنهاد آمریکا گردید و شتاب زده لایحه‌ای مبنی بر مصوبت مستشاران و دیگر تشیبه آمریکا در ایران را در تاریخ ۲۱ مهرماه ۱۳۴۳ توسط منصور نخست وزیر وقت که توسط فدائیان اسلام به درک واصل شده، به تصویب رساند.
 رژیم شاه برای جلوگیری از خشم و اعتراض و طغیان مردم سعی در پنهان نگاه داشتن لایحه از افکار عمومی داشت. اما هنوز پیش از چند روزی از احیای کاپیتولاسیون نگذشته بود که مجله داخلی مجلس شورا به دست امام رسید و ایشان از تصویب لایحه باخبر و بی نهایت مضطرب و نگران شدند، تا جایی که نگرانی و خشم و اضطراب امام باعث سؤال در مردم شد.

این جریان باعث ایجاد زمینه و آمادگی در ملت برای نطق تاریخی ۴ آبان ۱۳۴۳ شد. خبر سخنرانی امام در ۴ آبان همه جا پخش گردید و همه برای شنیدن دم مسیحیای روح‌الله از سراسر کشور با ضبط و نوار سرازیر شهرستان قم شدند. بالاخره تولد فاطمه (ع) فرارسید. امام آغاز میکند... انالله و انالله را چون «وناگاه گریه حصار و نه تنها در این آغاز که، در خط، خط این پیام، ناله بود و شیون و گریه...»
 ایران دیگر عید ندارد، عید ایرانرا عزا کردند، عزا کردند و دست جمعی رقصیدند.
 مارافروختند، خواب کم شده. ناراحت هستم قلمم در فشار است همین بود پیام و کلامی که شکافت سد دشمنان را، چندان

عکس‌العمل مردم در قبال تبعید امام
 مردم غیور و قهرمان ایران بمحض دریافت خبر تبعید غیرقانونی امام دست به اعتصاب و تظاهرات زدند و در تهران و سایر شهرها راهپیمایی از شهرها بازار را بستند. رژیم شاه

اشغال لانه جاسوسی، پیامدها و بر خوردها

بی شک سبب انحرافات همه انقلابیانی که در حلقه نخست از حمایت مردمی برخوردار هستند مسئلهای جز غیبت و وابستگی افراد به بیگانگان و خارج شدن از اصول کلی آن انقلاب نیست.

یکی از عمدهترین ویژگیهای اشغال لانه جاسوسی آمریکا که بدست دانشجویان مسلمان پیروز غلبت امام تسخیر شد افشای مسأله اصلی گروهکها، سازمانها و اشخاص پلکار وجه الهه و دیگر کسانی که سالیانی هراز به آمریکا چنانچه خدمت میگردند، ملت مسلمان ایران با ۷۰ هزار گشته و دهها هزار محلول وارت انقلابی اسلامی شدند که در ابتدا به تعاقب فعالیت اصلی ایندولوزی آن به همه افراد گروهها و دستجات سیاسی و مذهبی اجازه دادند تا آزادانه به اظهار نظر بپردازند تا جایی که بسیاری از آنها علناً به مخالفت با اصول اساسی و بنیادین انقلاب پرداختند. تحمل چنین افراد و گروهها پلکار ایندولوزی فنی اسلامی کاری دشوار نبود، اما سبب اشغال لانه جاسوسی و افشای اسناد رابطه این افراد و گروهها با آمریکای جهانگشای گامی بلند در جهت شناسایی دشمنان دوست نما پادشاه شد. لذا مشاهده گردید که بسیاری از این افراد به مخالفت با این عمل انقلابی پرداختند، برخورد خطوط مختلف فکری امم از سیاسی و مذهبی در رابطه با اشغال جاسوسخانه آمریکا و نیز پیامدهای سیاسی این اشغال از جمله مسائلی هستند که حجتالاسلام موسوی خوئینیها در رابطه با آن به خبرنگار ما پاسخ دادند.

میتوانند آنها را از درون فاسد کنند متوال به سمت خود کنند و این حرکتها و مبارزات راحتی بصورت ناپیدا رهبری کنند از این جهت جریانها و خطوط مبارزاتی که خودشان را خیلی ضد امپریالیسم میدانند آنها و همچنین آمریکا ناگهان احساس کردند که اگر تا امروز نیروهای پراکنده اینجا و آنجا و یا نیروهای متشکل در سازمانهای مشخص، مبارزه ضد امپریالیسم را شمار میدهند، چیزهایی بود که میتوانستند آنها را رام کنند اما یک حرکت ضد آمریکایی که پختوانه عظیم تودهی دارد و از باورها و اعتقادات و ایمان ریشه دار مذهبی و اسلامی یک جلوه سرچشمه میگردد و رهبری این مبارزات به جایگاهی تکیه دارد که آن جایگاه از نظر جامعه و مسلمین بسیار مقام ارجحندی است و آن مقام مرجعیت و رهبری دینی در ایران است. از این وجهت بسیار میکند مبینند که قابل مهار کردن نیست اگر میلیونها جسمیت راه بیفتند و بتوانند علیه آمریکا مبارزه کنند نمیتوان این را رام و مهار کرد که رهبری هم دست خود مردم است. اما یک سازمان هر قدر هم صدهای امپریالیسم بدون و هر چند هم داعیه مبارزه سلطانه داشت اگر رهبری دست یک مشت آدمهای روشنگر غرب زده اجنبی باور یعنی کسانی که باورشان به

پای صحبت حجت الاسلام موسوی خوئینیها

ایجاد کنند، و هم اگر چنین حرکتی ایجاد نمیشود، مهار کنند لذا این دستجات و سازمانهای سیاسی مثل خودم آمریکا سخت به وحشت افتادند اول آمدند مخالفت کردند. گفتند

- اگر بخواهیم بدانیم که سازمان مجاهدین، ضربه های اساسی را در کجا خورده است، یکی از آنها در جریان اشغال لانه جاسوسی آمریکا بود.
- اگر اسلام حقیق است آن اسلام از زبان امام و هر کسی که در این خط حرکت می کند گفته میشود پس
- اگر کسی در خط امام نبود بداند که خط دیگری علیه آمریکان نیست

اینجا یک فکر وابسته به ارتجاعند و برای انحراف مبارزات ضدامپریالیستی اقدام به این کار کردند و اصلاً خیلی بیجا آمدند و علیه آمریکا بدون اجازه ما مبارزه میکنند لذا مخالفت کردند بعد از آنجا که چون متناقض هستند هنگامیکه دیدند توده های عظیم

این مأمور بعداً هم در ایران با بنی صدر تماس میگیرد و قرار میگذارد که بنی صدر در آن شرکت کار کند و ماهی هزار دلار هم بگیرد و جالب این است که آن مأمور میگوید که البته حالا بنی صدر این پول را قبول نمی کند چون احتیاجی به آن ندارد حالا وارد حکومت شده و قدرتی دارد اما از آنجا که بنی صدر پایک اشاره تمعید خواهد شد لذا آن موقع احساس میکنند که به آن پول نیازمند است. این قبیل عناصر هم با اشغال لانه جاسوسی مخالفت کردند شاید در آن موقع برای مردم ایران درست قابل قبول نبود که بنی صدر مخالفت که میکند با این حرکت، بدلیل این است که اساساً او تمایل به آمریکا و غرب است، آن موقع مخالفت او را نشان دهنده آن می دانستند که دولت ما قدرت اداره و حفظ مقررات و ضوابط و نظم امور دیپلماتیک خارجی را ندارد و مردم مخالفت او را از این باب می بیند استند در حالیکه بعداً معلوم شد که بنی صدر چکاره بوده و مخالفت او با اشغال لانه پیوندهایی با عقاید منافقین خلق در رابطه با



اشغال لانه داشته و اینکه آنها در آخر خط به هم رسیدند معلوم میشود آن روزها اگرچه بنی صدر و جریانش از منافقین جدا بودند اما هر کدام از راههای شروع کردند که نهایت به همین جایی که حالا هستند می رسیدند یعنی مخالفت با اسلام و انقلاب مردم و رهبری انقلاب و به دام غرب بنده بزد. هر کدام از یک راه می آمدند اما آخرشان غرب بسود.

وابسته به گروههای غرب گرا و متقابل به غرب و در خط آمریکا، مثلاً عناصری از قبیل بنی صدر و امثالش و جریانی که او در آن جای دارد اینها رگ و ریشهای فکریشان، باور بر این بود که غرب آقای دنیاست و ما باید قبلمان غرب باشد، درست بود که از اسلام و استقلال صحبت میکرد اما این چیزها اصولاً در عمل سرازار و با آمریکا درمی آورد نمی رود که یک وقت بنی صدر نه به دعوت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بلکه بدعوت بسج و یا گروهی دیگر قرار شد در لانه جاسوسی سخنرانی کند ولی در آن سخنرانی مفصلی که بنی صدر در یکی از پشتبامهای لانه جاسوسی برای جمعیت سخنرانی کرد نتایجی که در آنجا گفت مسئله آمریکا و مبارزات ایران علیه آمریکا و دشمنی آمریکا علیه ایران و ما باید بر علیه او بجا کنیم، اینها بود، حساب کنید رئیس جمهوری به لانه جاسوسی بیاید که بوسیده مردم تسخیر شده و درست رود رویی ایران و آمریکا را نشان میدهد. سخنرانی کند در حالیکه اصلاً اشارهای به مبارزات مردم و یا آمریکا نکند، درست بر خلاف فلسفه دعوتش صحبت کند، خوب پیداست که این آدم در اعناق دلش تمایل به آمریکا و غرب دارد که البته بعداً معلوم شد که آمریکا توسط یک مأمور سیا که بصورت مدیریک شرکت اقتصادی هم آمده بود او را استخدام خواست بود بکنده که البته قبل از آنکه خواهد به استخدام آن شرکت اقتصادی درآید به استخدام سیاسی هم آمده بود و همانطور که من در جریان خدمت گفایت سیاسی بنی صدر اعلام کرده

چیزهایی است که از افکار و شیوه های عمل در حرکت اجتماعی از اجنبی گرفته شده و به خودشان متکی نیستند، رهبری مبارزه دست فکری است که این قدر قدر اعتقاد دارد که از جایی دیگر باید شیوه عمل را آموخته از اجنبی باید گرفت حال از غرب و یا شرق، این مبارزات را زود میتوان رام کرد. در ایران بعد از اشغال لانه جاسوسی این جریانی به

- امروز تنها یک چیز علیه آمریکایی جنگد و آن اسلام است دیگر مارکسیسم و کشورهای مارکسیستی اگر مدعی هستند که ماضد آمریکاهستیم دروغ است و دروغشان واضح شد.
- بطور کلی حرکت اشغال لانه جاسوسی یک حرکت مقطعی از خط امام بود که هر که با آن حرکت مخالفت کرد آخرالامر سرازار آمریکا در آورد.
- از آثار دیگر اشغال لانه جاسوسی بسیج عظیم تودمایی و ایجاد یک وحدت در بین جامعه در شرایط وزمانی که شدیداً به آن وحدت نیاز مند بودیم هست.

اصطلاح ضد امپریالیستی که رهبری دست یک همچنین قهرهایی بود سخت به وحشت افتادند برای اینکه دیدند مبارزات ضد امپریالیستی که باید دست آنها باشد تا هر وقت که خواستند مهارش کنند و یا به آن شتاب دهند و بازی کنند با جامعه، این ناگهان بصورت یک مبارزه ضد آمریکایی اصیل و ریشه داری در در جامعه درآمد که تا دورترین نقاط کشور، حتی بچه های روستایی هم فریاد ترک برآوردند و باورشان بلند شد. دیگر این را امریکایی نتوانست مهار کند. این سازمانهای متشکل سیاسی به اصطلاح ضدامپریالیستی نمی توانستند در کل یک جامعه ای مثل ایران یک چنین حرکتی ایجاد کنند. هم حرکتش را نمی توانستند

سپهالله الرحمن الرحیم. از آنجا که اشغال لانه جاسوسی حرکتی دقیقاً ضد آمریکایی بود و حرکتی بود که هر چه بیشتر ماهیت سیاست تجاوز کارانه آمریکا را در ایران و منطقه نشان میداد و همچنین حرکتی بود که افشا کننده مامیت جریانی متقابل به آمریکا و غرب گرا بود و طبیعی است کسانی که مخالفت با این حرکت میکردند دقیقاً باید در همین رابطه بررسیشان کرد اولاً با اشغال لانه جاسوسی جریانی و خطوطی که خودشان را رهبر مبارزه ضد امپریالیستی می دانستند، آنها به مخالفت برخاستند چرا که چون حرکت اشغال لانه جاسوسی حقیقتاً یک انقلاب مردمی و اسلامی و تودمایی بر علیه آمریکا بود و واقعا این حرکت از تریب و پیوند عمیق با احساسات و دریافتهای جامعه داشت. آمریکا و همچنین قدرتهای بزرگ جهانی هر کتایی که علیه خودشان باشد و به فرهنگ و سبقت اجتماعی و فکری و مذهبی جامعه پیوند خورده باشد چون

امریکایی بصورت دو دوست نداشتند و از انقلاب ایران و امام وسائل مربوط به امام شکایت و گله میکنند، وقتی که امپراتور نظام و امثال او پرونده محاسبات رو میگردانند می شود که مخالفت مستولین حکومت و دولت هر آن روز با این حرکت هم بی جا نبود، مخالفت آنها هم از همانجایی ناشی میشود که بقیه مخالفت کردند. می بینیم که قبل از اشغال لانه جاسوسی تبلیغات بسیاری میکردند که این انقلاب و رهبری بنی صدر است و با امپریالیسم آمریکا مبارزه کند و آرام، آرام نیروهای ساده دل و صادق را متقاعد میکند که برای مبارزه با آمریکا باید فکر دیگری کرد. حرکت جدید و رهبری جدیدی باید چنین کاری را انجام دهد. اشغال لانه جاسوسی که مستقیماً درگیر با امریکا شد به این دلیل که امریکا تا مرز تجاوز نظامی جلو آمد، یعنی رسماً با هواپیماهای نظامی به ایران حمله میکند، حدود جغرافیایی و مرزها را میشکند و در خاک ایران می نشیند و طرح عملیات تجاوز میزند این معلوم است که تا درگیری مستقیم نیز مبارزه ادامه داشته وقتی که اشغال لانه جاسوسی صورت گرفت و در حقیقت ایران و آمریکا رو در روی هم قرار گرفتند کسوف مشاهده میکنیم که همه نیروهای به اصطلاح مدعی انقلاب و مبارزه ضد امپریالیسمی همه سپردند همه می رسیدند که حالا چه خواهد شد و به سر ما چه خواهد آمد. من مطلع بودم که به طرق مختلف اشغال گوناگون خدمت امام می رفتند و می گفتند که آقا اینها مملکت را به سقوط می کشانند چه شده چه میشود، آمریکا کشتیهای نظامی آمده، در تشریک و مهر نیرو پیاده کرده اند، مرتب پهلوی امام از این حرفها میزدند. بعد ناگهان دیدیم که امام با یک دنیا سکون و آرامش فرمودند که امریکا هیچ فعلی نمی تواند بکند، یعنی آنموقع معلوم شد که چه کسی امریکا را اولاً می شناسد، ماهیت او را می شناسد، این طلب تو خالی را می شناسد و چه مقدار متکی به خود و فرهنگ و مکتب خودش که در نهایت وقار سر جایش ایستاده و این حرف را میزند. در صورتیکه همین سازمان منافقین از طرق مختلف به بنی صدر فشار می آوردند که هر طوری شد این کار را خراب کند و مستعد بودند که این کار درستی نیست که ما یک تعداد امریکایی را بی جهت گروگان گرفتیم و او را همسبانی می کنیم تا علیه ما اقدامات نظامی و اقتصادی و فیزیکی کند، در حقیقت بنی صدر طوطی بوده که پشت پرده منافقین به او می گفتند و او اظهار میکرد ایته ماهیت خودش هم مخالفت با این

- احق ترین گروه سیاسی در تاریخ معاصر و در همه گروههای سیاسی همین سازمان منافقین است که هیچ گروه سیاسی اینقدر با حماقت عمل نکرده، این نیست جز از اصالت انقلاب که اشغال لانه جاسوسی بخشی از افشای آن بود.
- آثار عظیم دیگری اشغال لانه جاسوسی به همراه داشت و آن الهام بخشی به مستضعفین در سایر کشورها بود.
- آرمان و مکتب خواهی و شهادت طلبی حربهایی است که آمریکایی می تواند بسازد و مان حربه را داریم.

لذمی بینیم آن مثلث شومی که فرار میکند به فرانسه بسیار عجیب و گویا و با بهترین شیوه ترسیم میکند ماهیت سازمان منافقین و بنی صدر، منظورم خلبان شاه، معزی هم هست عده دیگر هم که طولانی مبارزه، همه اینها خودشان را به جامعه نشان دادند و معرفی کردند. جریانی که در پشت نقابهای ضخیم تهاجرت بدست گرفتن مواضع حساس حکومت میگفتند ما که فوراً دولت هستیم باید جان جاسوسان را حفظ کنیم، لاف از ما می پرسیدند اما بعداً که اسنادی از آنها بیرون آمد معلوم شد که مخالفت آنها حسابه حساب شده و ریشه دار بود. یعنی وقتی معلوم میشود که در لانه جاسوسی اسنادی هست که نشان میدهد ناصر صیاحی با یک مأمور

ترفندهای سیا، تحلیل



- ۱- در این کتاب شاهد تلاش جاسوسان امریکائی برای تسریع در تهیه مدارک لازم جهت صدور ویزای عوامل رژیم قبل برای خارج نمودن آنان از ایران هستیم.
- ۲- امام خمینی
- ۳- سپاه پاسداران
- ۴- کمیته‌ها
- ۵- دولت موقت
- ۶- انقلاب اسلامی
- ۷- میانه‌روها
- ۸- سرمایه‌داران
- ۹- ارتش چه قبل و چه بعد از انقلاب
- ۱۰- دادگاههای انقلاب
- ۱۱- فراریان خارج از کشور
- ۱۲- آژانس‌های بین‌المللی در ایران

در این کتاب دانشجویان مسلمان پیر و خطامام کلاً باتوجه به اسناد سعی کرده‌اند بخش کوچکی از سلطه اقتصادی و توطئه‌هایی که از طریق اقتصادی امکان‌پذیر است را افشا کنند. در این کتاب فهرست تعدادی از سرمایه‌دارانی آمده که تاب تحمل انقلاب اسلامی را نداشته و بمنظور خروج از برزخ آنچه که از دسترنج این ملت مظلوم جمع کرده بودند، تقاضای ویزای مهاجرتی کرده بودند و سپس نشانده می‌شود که جاسوسان امریکا چه به طریق مستقیم و چه غیرمستقیم و چه با پولهای جلی و یا با پولهای واقعی سعی داشته‌اند آنچه را که شاه مدوم نتوانست با خود ببرد، از ایران خارج کنند، در قسمتی از این کتاب چنین آمده:

در قسمتی از این کتاب دید امریکا را نسبت به امام خمینی رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران چنین می‌بینیم:

«در جلسات انفرادی با غربی‌ها و یا آنهایی که تمایل به بی‌تفاوتی است و عکس‌العملی در مقابل مطالب مورد بحث ندارد، اگر مطلبی بخواهد بگوید بروش معمول خود، قاطعانه بیان میکنند. مذاکره به روش معمول (بدوستان) با خمینی مفهومی ندارد. در او جانی برای سازش و مصالحه وجود ندارد. احتمال اینکه کسی بتواند عقاید خمینی را به مقدر قابل توجهی تعدیل کند بسیار کم است زیرا او به این گونه افراد با دید تحقیر و ظن می‌نگرد.»

«ما تصمیم گرفتیم که بهترین منافع امریکا در این است که به درختان خنجر (سرهنگ سیروس بهار مست) پاسخ مثبت داده و به او کمک کنیم که باقی‌مانده دارایی او را که برابر با ۹۰۷ هزار دلار میشد از ایران خارج کنیم.»

معرفی کتاب ششم تحلیل‌های امریکا در مورد انقلاب اسلامی ایران

در این کتاب نیز همانند کتاب شماره ۱ که به چاپ چند تحلیلی در مورد وضع جزای ایران و موقعیت جاسوسان لانه جاسوسی نوشته شده بود، اقدام شده است. در قسمتی از این کتاب به عجز این جاسوسان پی می‌بریم. در این قسمت جاسوسی، امریکایی، چنین گزارش میدهد:



در بخش دیگری در مورد دولت موقت چنین می‌خوانیم:

«اگر این دولت دوام پیدا کند روابط اقتصادی و سیاسی چنان خواهد بود که یک موقعیت بهتری برای ما بدست خواهد آورد»

در مورد میانه‌روها نیز نظر امریکا را چنین می‌بینیم:

«اگر هر گروه میانه رو و متمایل به غربی که به مبارزه علیه (ملاها) برخیزد، در مورد او به عنوان یک گروه (مترقی)، با علاقه تمام تبلیغ خواهیم کرد.»

معرفی کتاب شماره ۷ تحلیل‌های امریکا در مورد ایران

در این کتاب نیز دانشجویان مسلمان پیر و خط امام اقدام به چاپ چند تحلیلی که از بین اسناد لانه جاسوسی بدست آمده نمودند. این تحلیل‌ها عموماً وضع جاری و جو موجود در ایران را بررسی میکنند تا تحلیل گران و برنامه ریزان امریکا بتوانند با طرح توطئه‌های خود یکبار دیگر این ملت مظلوم را تحت سلطه خویش قرار دهند غافل از اینکه آنگاه انقلاب اسلامی ایران چنان تند و کوبنده است که امریکاییان امریکا هرگز برای مقاومت در مقابل چنین می‌خوانیم:

«من مستقیم که اگر با عقیده‌مان را راجع به تجاوزاتی که در مورد حقوق بشر در ایران میشود ابراز کنیم در دراز مدت منافع امریکا خواهد بود.»

معرفی کتاب شماره ۵ افشاگری شماره (۵)

۱۴- در این سند شاهد تلاش جاسوسان امریکائی برای تسریع در تهیه مدارک لازم جهت صدور ویزای عوامل رژیم قبل برای خارج نمودن آنان از ایران هستیم.

۱۵- در این سند می‌بینیم که سیا عملاً از پوشش‌های به اصطلاح دیپلماتیک سفارت جهت فعالیتهای جاسوسی استفاده میکنند. در قسمتی از این سند می‌خوانیم: «باید نظر گرفتن حساسیت بسیار شدید محلی نسبت به هر گونه اشاره به فعالیتهای سیا، انتخاب بهترین پوشش تا آنجائیکه برای مافوق است از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است بنابراین عنوانهای دسیس دوم و دسیس سوم برای این دو مقام مسئول جای هیچ گونه سؤال و ابهامی راباقی نمی‌گذارد.»

۱۶- در این سند می‌بینیم که چگونه در اثر انقلاب اسلامی ملت رزمنده ایران جاسوسان و منابع داخلی سفارت امریکا از ترس خشم این ملت مظلوم از تماس گرفتن و خبر دادن به سفارت خودداری می‌کنند و جاسوسان امریکا با کمبود اطلاعات مواجه شده‌اند.

۱۷- در این سند مشاهده میکنیم که جاسوسان امریکا در هنگام صدور ویزا افرادی را انتخاب می‌کنند که بتوانند در قبال این خدمت، خدمتی را نیز به اربابان خود بکنند.

۱۸- در این قسمت کتاب گوشه‌ای از اسناد و مدارکی که نشان میدهد چگونه لانه جاسوسی اقدام به جعل گذرنامه و اوراق مربوطه کرده، گرد آوری شده است.

۱۹- در این بخش اسنادی که حاکی از رابطه لانه جاسوسی با مهدی روغنی یکی از سرمایه‌داران ایرانی افشا شده است.

۲۰- در این سند پسرده از جریان برمی‌دارد که سردمدار آن آقای رحمتا... مقدم مراعاتی است و دست جریانی را باز میکند که سعی داشت این مملکت را در اختیار بیگانگان قرار دهد.

معرفی کتاب شماره ۳ تحلیل‌های امریکا در مورد ایران

در این کتاب دانشجویان مسلمان پیر و خط امام با توجه به اسناد سعی کرده‌اند تا تحلیل امریکا را نسبت به جریانات و نهادهایی که در رژیم نوپای جمهوری اسلامی ایران حضور داشتند بدست آورند تا از این طریق و به مصداق سخن حضرت علی(ع) که «هر کدام و کلیشای از اصل سند گرد آمده که ذیلاً به مرور اجمالی اسناد می‌پردازیم.

اسناد لانه جاسوسی



۱۱- این افشاگری توضیحی است راجع به وسایلی که جاسوسان امریکائی بکمک آن اسناد و مدارک و مهرهای رسمی دولتی ایران و سایر کشورها را جعل میکردند تا بکمک آن بتوانند راحتتر به فعالیتهای جاسوسی خود بپردازند.

۱۲- امریکائی جنایتکار در آخرین تلاشهایش جهت حفظ شاه تنها راهی که در پیش می‌بیند مراجعه به میانه‌روها می‌باشد و در این راه تلاشها نموده است که گوشه‌ای از آن در این سند آمده است. این سند بیانگر تماس کارمند سفارت با محمد درخش رئیس کانون معلمین و سناتور محمدعلی مسعودی می‌باشد.

۱۳- در این سند گوشه دیگری از تلاشهای امریکائی جنایتکار را در هنگامی که سعی داشت شاه را به امریکا ببرد مشاهده میکنیم. این سند جو موجود در ایران را بررسی میکند و میگوید که «من فکر میکنم که اگر شخصی شاه بعنوان مریض به امریکا بیاورد آنگاه امریکائی در عکس‌العمل مردم ایران بخواهد داشته.»

طرح بربری شده است طرحی است که با پول ایران و با سرمایه ملی و نیروی انسانی ایران تهیه شده است. هدف آن کنترل الکترونیکی منطقه از فعل و انفعالات شوروی و حرس کنه‌های انقلابی و حفظ امنیت داخلی ایران در جهت تحکیم قدرت شاه خانی و ادامه جیاول امپریالیسم امریکاست.

۷- در این سند شاهد تلاش امریکا جهت خارج نمودن دربار از حبیب‌اللهی از ایران هستیم.

۸- در این سند به ساخت مستشاری نظامی لانه جاسوسی امریکا در ایران و وظیفه‌های که برعهده داشته است واقف میشویم در قسمتی از این سند چنین می‌خوانیم: «مستشاری مهم‌ترین بخش حضور نظامی امریکا در ادامه حفظ منافع امریکا در ایران است.»

۹- در این سند بایکی دیگر از چهره‌های سپید امریکا مواجه میشویم، چهره‌ای که در ظاهر سعی میکند با برگزاری جشن مراسم هجرت نظریات ایران را بخود جلب کند و در نهان جنایات بیشماری که در ایران انجام داده مخفی کند. لکن ملت غیور ایران هرگز گول این چنین چهره‌های منافقانه را نخورد و همواره تحت رهبری امام امت بسایین چنانچه بی رحم مبارزه کرده‌اند و بیگفته امامان تاورا بر سر جایش نشانند از پانخواهند نشست.

۱۰- سند شماره ۱۰ با این عنوان شروع میشود و اهداف و مقاصد امریکائی و پرواض است که محتوای این سند انهمایی است برای جاسوسان امریکا که در زمان دولت بازارگان چه وظایفی بعهده دارند و چگونه عمل کنند.



۱۱- این افشاگری توضیحی است راجع به وسایلی که جاسوسان امریکائی بکمک آن اسناد و مدارک و مهرهای رسمی دولتی ایران و سایر کشورها را جعل میکردند تا بکمک آن بتوانند راحتتر به فعالیتهای جاسوسی خود بپردازند.

معرفی کتاب شماره ۲ افشاگری امپریالیسم

در این کتاب نیز ۱۰ سند از سری اسنادی که برادران دانشجویان مسلمان پیر و خط امام از طریق صدا و سیما جمهوری اسلامی به اطلاع ملت ایران رسانده‌اند به همراه مقدمه گرد کدام و کلیشای از اصل سند گرد آمده که ذیلاً به مرور اجمالی اسناد می‌پردازیم.

۱- این افشاگری توضیحی است راجع به وسایلی که جاسوسان امریکائی بکمک آن اسناد و مدارک و مهرهای رسمی دولتی ایران و سایر کشورها را جعل میکردند تا بکمک آن بتوانند راحتتر به فعالیتهای جاسوسی خود بپردازند.

۲- امریکائی جنایتکار در آخرین تلاشهایش جهت حفظ شاه تنها راهی که در پیش می‌بیند مراجعه به میانه‌روها می‌باشد و در این راه تلاشها نموده است که گوشه‌ای از آن در این سند آمده است. این سند بیانگر تماس کارمند سفارت با محمد درخش رئیس کانون معلمین و سناتور محمدعلی مسعودی می‌باشد.

۳- در این سند شاهد مشاهده میکنیم که امپریالیسم امریکا چگونه از نهاد نوپائی چون پاسداران انقلاب وحشت می‌کند و در پی کسب اطلاعات در مورد سازماندهی و تشکیلات داخلی آن برمی‌آید. در سند بعدی ارتباط سفارت را با سرمایه‌داران وابسته سازماندهی خروج پول از ایران بیان می‌شود.

۴- در این افشاگری یکی از طرحهای امپریالیستی ارتش امریکا را در ایران مشاهده میکنیم. طرح آیکس که بوسیله سازمان ارتباطات و الکترونیک ارتش امریکا در ایران

سایر کشورها، نمود. این بودجه همگی را حتی سنای امریکا را (که ماهیتش در جریان قسطنطنیه‌های بمنظور تقبیح اعدام القانیان و هویدا بر همه معلوم شد) به تعجب واداشت. دانشجویان مسلمان پیر و خط امام از آغاز افشاگریهای خود قول دادند که اسناد و مدارکی را که در لانه جاسوسی بدست آمده منتشر کنند و در این رابطه تا بحال ۱۲ جلد از مجموعه اسناد لانه جاسوسی در موضوعات متفاوت منتشر شده است که اینک بطور اجمالی به مرور این کستابها می‌پردازیم:



معرفی کتاب شماره ۱ افشای امپریالیسم

اولین شماره افشاگری می‌باشد و شامل ۱۰ افشاگری است که برادران دانشجویان از طریق صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به اطلاع ملت قهرمان ایران رسانده‌اند. این اسناد به همراه مقدمه و کلیشای از اصل اسناد آمده که شامل موارد زیر می‌باشد. ۱- در این افشاگری شرح مختصری از چگونگی اسناد باقی مانده داده می‌شود و سپس توضیح میدهد که طبق اسناد بدست آمده امریکا بمنظور طرح و اجرای توطئه‌های خود اقدام به استقرار یک سیستم اطلاعاتی کرده است.

۲ و ۳- اسناد اسنادی است که نشان میدهد امریکائی جنایتکار ماهها قبل از اشغال لانه مترصد برودن شاه به امریکا بوده و در پی همین منظور با به اصطلاح سفارتخانه خود در ایران مشغول مشاوره شده بود. در قسمتی از یکی از این اسناد چنین می‌خوانیم:

«ما در جستجوی این هستیم که به پرسشهای مکرر شاه و درخواستهای وی برای اقامت در امریکا جوابگو باشیم و این موضوع از کانالهای مختلف جهت اقامت وی و شهنشاه و بقیه فامیلش در امریکا دنبال می‌شود.»

۳- در این سند که گوشه‌ای از طرحهای اقتصادی امریکائیها را برای متلاشی کردن اقتصاد بومی ما و رشد سرمایه‌داری وابسته نشان میدهد، می‌بینیم که انقلاب اسلامی ملت ایران برهبری امام خمینی چگونه نقشه‌های آنان را نقش بر آب کرده.

۴- در این اسناد ابتدا شبکه‌ای که احتمالاً جاسوسان امریکائی برای خارج کردن ارز و نقل و انتقالات غیرقانونی از آن استفاده می‌کردند افشا می‌شود. عناصر اصلی این شبکه و هدایاتی که از طرف سفارت امریکا برای آنها فرستاده شده مشخص می‌شوند.

۵- در این اسناد ابتدا شبکه‌ای که احتمالاً جاسوسان امریکائی برای خارج کردن ارز و نقل و انتقالات غیرقانونی از آن استفاده می‌کردند افشا می‌شود. عناصر اصلی این شبکه و هدایاتی که از طرف سفارت امریکا برای آنها فرستاده شده مشخص می‌شوند.

۶- در این افشاگری یکی از طرحهای امپریالیستی ارتش امریکا را در ایران مشاهده میکنیم. طرح آیکس که بوسیله سازمان ارتباطات و الکترونیک ارتش امریکا در ایران

سپاس... الرحمن الرحیم خبرنگار: شما با قاطعیت از سفارت بعنوان لانه جاسوسی صحبت می‌کنید ولی شواهد کافی برای این مسئله وجود ندارد. امام... انشاء... دانشجویان مسلمان در آینده روشن خواهند کرد.

از مصاحبه امام با مجله تایم ارمنانی که انقلاب دوم یعنی اشغال لانه جاسوسی توسط «دانشجویان قهرمان ایران بدنبال داشت افشای جزئیات و چهره‌های وابسته به امپریالیسم و شیطان بزرگ بود. جریانات و چهره‌هایی که ملت شهید پرور ملل آنها را در صحنه عمل نیز بخوبی شناختند. جریانات و چهره‌هایی که همواره به غرب بینوا سهد آزادی و تمدن مستگرد و چشمهایش از مشاهده نور اسلام و آنچه که بدنبال آن حاصل می‌شود ناتوان بوده و همواره بدنبال آزادی از نوع غربی آن بوده‌اند و برای آن نیز تلاش می‌کردند.

بدنبال انتشار اسنادی که از مصحح جاسوسخانه بدست آمده، شاهد مصفندی‌های متفاوتی در بین روتنفلگران غرب زده و شرق زده بودیم.

غرب زدگان، آنهایی که غسورشیشان هم از مغرب طلوع میکند در آغاز تلاش کردند که با تسک به قرآن و اظهار واگر فاسقی برای شما خبری آورد، در مورد صحت و سلم آن تحقیق کنید و اقمیت را قلب کنند و آنچه را که خود در پنهان برای جاسوسان آشکار کرده بودند بپوشانند و مانع افشای آن شود. واقعتی که آنها سعی در قلب آن داشتند این بود که جاسوسان امریکائی نه تنها این اسناد را در اختیار دانشجویان مسلمان قرار ندادند بلکه تاجائی که می‌توانستند سعی در نابودی آن نیز داشتند و در این راه بشماره‌ای را هم ناپود کردند.

و این دانشجویان قهرمان بودند که پس از درگیری با تفنگداران و روشن کردن آتش توانستند با گاز اشک‌آور مقابله کنند و پس از چند ساعت آخرین سنگر جاسوسان را (که در آن نیز مشغول از بین بردن آنچه که به همراه خود برده بودند، بودند) تصرف در آورده و آنها را هم به سایر اسیران ملحق کنند. اینان تا آنجا پیش رفتند که با گفتن «در سفارت دستگاهها و مهره‌هایی وجود دارد که میتوان عین مطالبی که توسط جاسوسان تهیه می‌شد، تهیه کرد و خود دانشجویان را منتم به جعل مدارک افشا شده کردند. و بدنبال آن نیز گفتند که «اینها پیر و خط شیطان هستند» و بساین ترتیب حداکثر کینه و نفرت خود را نسبت به این جریان انقلابی و رهبر آن نشان دادند.

شرق زدگان نیز به نوبه خود با چهره نفاق جلو آمدند و حداکثر استفاده را نه بنفع ملت مظلوم ایران، بلکه به نفع خود بردند. اینان با اعلامیه‌های آنبشانی در حمایت از اشغال لانه جاسوسی، خود را در نظر جوانان پاک و مصومی که بمنظور حمایت از انقلاب دوم در اطراف لانه جاسوسی جمع شده بودند بعنوان جریان انقلابی جلوه دادند و آن جوانان را بدام خود کشاندند و دیدیم که سرانجام چگونه آنها را به کام هلاکت افکندند و خود به دامان اربابان خود گریختند.

از نظر خارجی، آنگساندر هگ فردی که سابقاً فرمانده نیروهای ناتو در اروپا بود و پس از روی کار آمدن ریگان، هریشبه معروف (که هم اکنون بیو در نقش جدید خود به اعمال جامه مستصمف امریکا مشغول است) بعنوان وزیر امور خارجه منصوب شد، تقاضای بودجه هنگفتی جهت حفاظت اسناد و مدارک طبقه‌بندی شده در به اصطلاح سفارتخانه‌های امریکا در

ی بر اسناد لانه جاسوسی

روحانیت شیعه ما نه تنها در مقابل توطئه های کوتاه مدت آمریکا بخوبی مقابله کرده بلکه توطئه های بلند مدت شیطان بزرگ را نیز خنثی خواهند نمود و بار دیگر امید آنان را به ناامیدی مبدل خواهند ساخت.

کتاب شماره ۷

روابط آمریکا و شاه این کتاب، اولین کتابی است که تماماً بصورت موضوعی و راجع به یک مطلب میباشد و آنهم روابطی که آمریکا با شاه معدوم داشته و نحوه چگونگی اداره این کشور توسط شاه را نشان میدهد. این کتاب در کل به سه بخش مجزا تقسیم شده که هر بخش شامل ویژگیهایی است که ذیلاً توضیحی در مورد آن می آید: بخش اول این کتاب جزوای است که از طرف سازمان سیا تهیه شده این جزوه تحت عنوان «تخبگان و تقسیم قدرت در ایران» بطور صریح به موارد زیر اشاره میکند. - تقلبات آشکار در انتخابات مجلس و اعمال نفوذ شاه در این زمینه. - چگونگی انتخاب وزرا و نقش ساواک در این رابطه

که پیرو او (خصینی) هستند میتوانند تظاهرات زیادی رشد رژیم ایجاد کنند. احتمال کمی وجود دارد که روحانیت بوجود آید. بخش دوم این کتاب جزوای است تحت عنوان «کتاب تشریح وضع کلی ایران» که این جزوه توسط کارمندان جاسوسخانه آمریکا در تهران و در زمان رژیم فرعون شاه تهیه شده و در قسمتهای مختلف به بررسی و تحلیل ساخت جامعه ایران و تقسیم قدرت و نظامات داخلی آن و رابطه خارجی ایران و همچنین «چنایات دستگاه ساواک» پرداخته است در قسمتی از این بخش در مورد ساواک چنین میخوانیم: «ساواک ترکیبی از سازمانهای سیا و الفجسی آی و آن اس آی و شورای امنیت ملی است و مانند زمان داریوش بعنوان چشمپوشی شاه استفاده میشود.» بخش سوم که تحت عنوان «شاه و آمریکا» آمده است. حاوی اسنادی است که در یک سیر تاریخی حمایت بی دریغ آمریکا را از شخص شاه مخلوع در مقابل امواج خروشان امت به پا خاسته مادر جریان انقلاب نشان

شد و پا در داخل جاسوسخانه به انحاء مختلف از بین رفت لذا از آنچه که مربوط به روابط آمریکا و رژیم شاه معدوم میشد. صرفاً به نگهداری مدارک پر اهمیتتر و جامعتر اکتفا کرده اند. بهمین دلیل بوضوح در این اسناد دخالتهای آمریکا در ایران بعنوان نیروی حاکم بدون رقیب مشاهده میشود. بعنوان مثال در سند شماره ۱۶ این کتاب در بیان سابقه تاریخی رژیم شاه چنین آمده است: رضاشاه از تاج و تخت در سال ۱۹۴۱ توسط انگلیس و شوروی برکنار شد همچنین فشار آمریکا نیروهای خارجی را در سال ۱۹۴۶ از خاک ایران بیرون کرد و شاه دوباره به کمک آمریکا به تاج و تخت برگشت کنترل صنعت نفت جهانی توسط غرب بهر از ملی شدن نفت در سال ۱۹۵۱، ایران را تقریباً ورشکسته کرد و بقاء شاه متکی به پشتیبانی خارجی و استقلال و تمامیت ارضی آن! منوط به حضور افراد آمریکایی و موافقتنامه های امنیتی! بود. در سند شماره ۱۴ این کتاب چنین میخوانیم: ایران برای آمریکا از نظر جغرافیایی و نفت حائز اهمیت است. ایران تحت نظر شاه که



سیا بعنوان یک تاجر آمریکایی بنا وی ملاقات نموده بود و سپس قرار بر این شده بود که این جاسوس سیا به بهانه تجارت به ایران آمده و در ایران ملاقات با بنی صدر را ادامه دهد که حداقل مقصود و هدف سازمان سیا در آن موقع آن نبود که... رضایت نامبرده را برای مشاورت یک شرکت آمریکایی جلب کند و بعد تحت این پوشش، تماسها را بخوبی دنبال کنند. برای معرفی بهتر کتاب بهتر است به چند نکته از اسناد این کتاب اشاره شود: در سند یازدهم میخوانیم: «چون او یک توطئه گری (طراح) کهنه کار است، اگر احساس کند که رژیم از اهداف انقلابی خود دور میشود و یا اینکه بنفع خودش خواهد بود، ممکن است در آینده برای توطئه علیه رژیم مساعی سر راه خود نبیند» و «اگر چه احتمالاً در حال حاضر هیچ مشکلی مالی ندارد، اما باید در نظر داشت که ممکن است با یک تذکر کوتاه بفارغ تباعد شود و در آن زمان میتواند از کمک مالی استفاده کند.» معرفی کتاب دهم به جرات میتوان گفت که پس از صدر اسلام حرکتی مانند حرکت اصل انقلاب اسلامی ایران که ریشه در عمق مکتب دارد، به خود صورت واقع نپذیرفته باشد. البته طبیعی است که در کنار این حرکت شکوهمند جریانهای انحرافی بسیاری با ظواهر گوناگون رشد کرد ولی سیر انقلاب او را سرانجام به انزوا کشاند اسناد کتاب «دوم» اسناد لانه جاسوسی بیان کننده جریانی است که از سرگیری فعالیت سیاسی با تغییر رئیس جمهوری آمریکا و طرح سیاست حقوق بشر آغاز میشود. حکایت جریانی است که با امید و الهام از سوی شیطان بزرگ به مبارزه با شاه برمی خیزد، آن هم بنه مبارزه با شاه که با استبداد و خفقان! و حتی در مقطعی از مبارزه ضد استبدادی خود راضی به ماندن نظام شاهنشاهی هم میشود حکایت جریانی است که با مشورت و توصیه های شیطان بزرگ گام به گام به خیال خود نهضت را پیش میرود و از ترس اینکه مبادا انقلاب اسلامی در دامن شرق تجاوزگر بیفتد، به دامن غرب چنایاتکار پناه میدهد و در این راه به تبادل اطلاعاتی بسیار وسیعی میپردازد و بسیاری سخاوتمندانه اطلاعاتی را که از درون نهضت اسلامی دارد، در اختیار جاسوسان شیطان بزرگ میگذارد. حکایت جریانی است که بیگانه از ماهیت انقلاب اسلامی که هیچ مأمور و پناهمگاهی جز خدا ندارد، با مذاکرات و نشست و پرسخاستهای مداوم با ابادی شیطان بزرگ، در کمال ساده دندیشی معتقد است که خروج شاه و در نهایت پیروزی انقلاب ثمره این مذاکرات است. حکایت جریانی است که حتی پس از پیروزی انقلاب نیز دست از امدهای پنهانی شیطان بزرگ نمی شوید و با جدیت هرچه تمامتر، همکاری نزدیکی و روابط حسنه بسیستر طلب میکند و گوئی با وجودی که همواره شعار خود را استقلال قرار

داده، هیچگاه عملاً به استقلال نیاندیشیده و همراه با دیگر نیروهای مترقی! مردمی که آمریکای چنایاتکار و شوروی تجاوزگر را به اتکای خدا از خود طرد میکنند. را محکوم میکند و بالاخره حکایت جریانی است که پس از مرادوات پیگیر برجسته ترین چهره آن صاحب عنوان S.D.POLD/1 میشود. S.D.POLD/1 حروف رمزی است که از طرف سازمان سیا برای معرفی امیر انتظام در اسناد بکار میرود.

کتاب یازدهم اسناد لانه جاسوسی که تحت عنوان، «آمریکای حامی اشغالگران قدس» منتشر شده است حاوی اسنادی است که مبین وحدت عمل و هماهنگی کسایل رژیم میهننویستی با آمریکای چنایاتکار در عملیات خائنانه خود در سراسر جهان بخصوص با منطقه میباشند. و این مطلب بخوبی از این اسناد استنتاج میشود که اگر یک آن حمایت مستقیم و غیر مستقیم شیطان بزرگ از این غاصبان حقوق مسلمین قطع شود دیگر ادامه حیات برای آنها مقدور نیست و به همین دلیل مبارزه با این سرطانی مخوف لازم است از قبیل عربستان سعودی، عراق و اردن، به سبب وابستگی خود، توان نبرد مقدس با رژیم صهیونیستی را ندارند. برای معرفی بهتر این کتاب بهتر است به سند اول این کتاب که جزوای نسبتاً مفصل، پیرامون سرویسهای جاسوسی و امنیتی اسرائیل میباشد که توسط جاسوسان شیطان بزرگ تهیه و تنظیم شده است، اشاره شود. در این سند در حقیقت آمریکای چنایاتکار تصویر روشنی از چنایات و عملیات ضد انسانی دستگاه جاسوسی رژیم زرادپرست تحت الحمایه خود را ترسیم میکند. رژیمی که موجودیت خود را مرهون استکبار جهانی است و الزاماً در منطقه ای با وسعت ناچیز و جمعیت اندک بایستی دست به تشکیل یک چنین مجموعه عظیم جاسوسی بزند. همچنانکه به تصریح خود سند حوزه فعالیت دستگاههای جاسوسی اسرائیل نه تنها به منطقه بسنده نمیکند، بلکه در برگیرنده گسل جهان است و در هر کجای عالم که رژیم فاسد و وابستهای وجود دارد از بسیاری همکاری دستگاههای اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل بهره مند است.

اسنادی است که عمدتاً جنبه تحلیلی داشته و مربوط به فاصله زمانی ابتدای سال ۱۹۷۸ تا تشکیل دولت نظامی میباشد. اسناد این کتاب بیانگر این موضوع هستند که چگونه آمریکای چنایاتکار برای حفظ منافع خود با باز شدن اولین شکوفه های انقلاب اسلامی بخصوص پس از قیام مردم مسلمان و انقلابی قم و برای جلوگیری از بهار نشستن درخت تسنور اسلام و سرکوبی انقلاب اسلامی چهره عوض می کند و سیاستی را تحت عنوان حقوق بشر با ساز و دهل تبلیغ می کند غافل از آنکه اگر قیصر ردای عیسی را هم به تن کند، صاحب دم مسیحیاتی نخواهد شد.

اسناد این کتاب بیان کننده این موضوع هستند که چگونه بارش درخت تسنور انقلاب اسلامی شیطان بزرگ تبر بدستان خود را تحت پوشش سیاست حقوق بشر، برای قطع این درخت بسج میکند و اینکه چگونه آمریکای چنایاتکار ابتدا سعی میکند با ساختن چهره های موافقانه برای شاه او را نگهداره و بعد که از عهده این کار بر نمی آید سعی میکند که فروغ حکومتی بر سر گذار آید، جز یک حکومت اسلامی زیرا می داند که با هر چیزی میتواند بسازد. جز یک حکومت اسلامی و بهمین دلیل است که سعی در تضعیف رهبری اصل انقلاب و علم کردن چهره های بظاهر ملی در مقابل امام، سعی در انحراف انقلاب از خط اصل و اسلامیت داشت.

و آخرین اسناد این کتاب بیانگر این موضوع هستند که چگونه شیطان بزرگ بعد از شکست خوردن در تمام نقشه های مجبور به نشان دادن چهره واقعی و تن دادن به یک دولت نظامی میشود.



معرفی کتاب جنبشهای آزادی بخش

از آنجا که انقلاب اسلامی در خط اصل اسلامی حرکت کرده و باتکیه بر مردم مسلمان و ستمدیده و هیچ بهائی به گروههای سیاسی وابسته به شرق و غرب که تنها برای بدست آوردن قدرت و تشکیل حکومتی شاید بدتر از رژیم شاه کوشش می کردند، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام نیز پس از اشغال لانه جاسوسی آمریکا در تهران برای معرفی ابعاد مختلف انقلاب اسلامی



به این امید که همه مسلمین حول مکتب حیات آفرین اسلام بسا و مسلهای مکتبی برایمان» و با اتحاد و یگانگی این پایگاه استکبار جهانی در قلب امت اسلام را محو و نابود سازند و برای این پیکار مقدس، انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران که ادامه نهضت انبیا است بهترین الگو است و اطمینان داریم که تابودی این پایگاه کفر که بر طبق سنن الهی دوام چندانی ندارد، زمزم ساز حکومت حضرت ولی عصر (ع) و نوید بخش رهائی مستضعفان از چنگال مستکبران است.

معرفی کتاب دوازدهم

این کتاب که در دو جلد و تحت عنوان «دخالتهای آمریکا در ایران» به طبع رسیده است، از نظر مطلب دنباله کتاب هشتم میباشد و شامل



آمریکا را واجد نقش حیاتی در مساعی خود برای متجدد ساختن کشورش میدانند و میخواهند آنرا از نظر نظامی و صنعتی قوی و متکی به خود سازد، محیط مناسبی برای تعقیب مقاصد آمریکا می باشد. همچنین این کتاب حاوی اسنادی است که بخوبی این مسئله را بیان میکنند که آمریکا چگونه از شاه بعنوان بهترین مهرانش برای حفظ منافع حیاتی در منطقه و برای رسیدن به اهداف سیاسی، نظامی و اقتصادی استفاده میکند.

معرفی کتاب نهم

کتاب شماره ۹ شامل اسنادی است که مبین ملاقات یکی از جاسوسان سیا (CIA) با شخصی میباشد که در اسناد از او با نام مستعار اس.دی.پور-۱ یاد میکنند. باتوجه به اینکه در سند شماره ۱ شماره تلفن این شخص ذکر شده و در سند شماره ۸ آمده است که دومی ناشر روزنامه انقلاب اسلامی است» و در سند شماره ۱۱ چنین میخوانیم که «وی عضو شورای انقلاب عضو مجلس خبرگان، سرپرست بانکهای ملی شده و ناشر روزنامه است» مشخص میشود که شخص مذکور، ابوالحسن بنی صدر، رئیس جمهوری ۱۱ میلیونی! سابق است. این کتاب بر این معنا دلالت دارد که سازمان سیا باتوجه به جنبه مالی که در آقای بنی صدر دیده بود. در وی طمع کرده و در پاریس یکی از جاسوسان برجسته

میدهد. در قسمتی از این بخش می بینیم که با اوج گرفتن مبارزات ملت مسلمان ایران آمریکا خرید یک مزرعه بسیار بزرگی را به شاه پیشنهاد میدهد تا این چنایاتکار بتواند همچون خفاشی در لانه خفاشی اش مان گرفته و به چنایات خود ادامه دهد.

معرفی کتاب هشتم

کتاب شماره ۸ اسناد لانه جاسوسی که تحت عنوان دخالتهای آمریکا در ایران منتشر شد، حاوی اسنادی است که حکایت از اهداف و مقاصد آمریکای چنایاتکار از حکمروایی جابرانفاز در زمان رژیم شاه معدوم میکند. یکی از ویژگیهای اسناد این کتاب، جامع بودن آنها



است. زیرا در دوران انقلاب و بعد از پیروزی آن، بخش مستنهایی از سدارکی که حاکی از چنایات امپریالیسم آمریکا بوده، توسط جاسوسان آمریکایی یا از کشور خارج

نقش ساواک در انتخاب نمایندگان قلابی مجلس - ساخت ارتش - ساخت ساواک - سپس بتفصیل به شرح چگونگی اداره این کشور و چپاولی که از طرف خاندان پهلوی بر این ملت رفته می پردازد و در پایان به شرح زندگی نامه اطرافیان شاه می پردازد. در این قسمت چنین میخوانیم:

«اشراف به جهت فساد مالی و موفقیت در تعقیب مردان جوان شهرتی افسانه وار دارد. تا بحال هیچکس در تعلق خاطر اشراف به برادر دولتی خود تردید نگرفته است و وی احتمالاً پشتگرمی دادن به شاه را در مقاطع بحرانی گذشته بعهده داشته است.»

این جزوه در قسمتی دیگر به تحلیل نیروهای می توانند در نظام پوزانی شاه خلیوارد

در این قسمت نیز چنین میخوانیم: «گروههای تروریستی تهدیدی برای رژیم شاه و برنامه هایش نیستند. این سازمانها بصورت دو سازمان مجاهدین خلق و فدائیان خلق با ائتلاف مذهبیون و کمونیستها با یکدیگر فعالیت میکنند.» و هنگامی که به تحلیل نیروهای روحانی میردازد چنین میخوانیم: «از زمانی که شیعه اسلامی به عنوان مذهب رسمی برقرار شد عملیات شیعه با هر سلطنتی مخالفت کرد چنانچه «انقلاب روحانی

نش آموز برستیغ قله پیداری

بسمه تعالی
 ● غروب روز حادثه که به خانه آمدم قبل از هر کاری سراغ مهدی را گرفتم گفتند که هنوز نیامده است دلوایس شدم، چون خودم آنروز جلوی دانشگاه بودم و حوادثی را که اتفاق افتاد پنجم دیده بودم حس زدم که نیامدن مهدی حتما دلیل خاصی دارد و نمیتواند بی دلیل باشد لذا اول کاری که کردم آن بود که با چند بیمارستان از جمله بیمارستان فعلی امام خمینی تماس

شده با مردم زیادی در مقابل بودند و گاردیها آنها را تهدید میکردند و از آنها میخواستند که متفرق شوند ولی اثری نداشت، روحانیون و مردم میگفتند ما از اینجا نمیرسیم و شما هم هرکاری که دلستان میخواهد بکنید و طبیعی بود که عکس العمل گاردیها چه بود آنروز چهاردهم آبان بدون اینکه نتیجه گرفته باشیم به خانه آمدیم گنج و متحیر بودیم و نمیدانستیم

مستولین زندان جمشیدیه دادیم و آنها گفتند که تا بعد از ظهر نتیجه را بیا میدهند و چون چند ساعتی فرصت داشتیم به اتفاق عمومی برای انجام کاری بطرف پارک شهر آمدیم و بهتر دیدیم که سری هم به پزشکی قانونی برویم و همانجا بود که جسد برادرم را از روی حال بزرگی که روی صورتش بود شناختم مستولین پزشکی قانونی گفتند که این شهید را صبح

نماز نیم ساعت هم قرآن خواندیم و این روش را پدرم بما آموخته بود و مهدی عشق زیادی به خواندن و فکر کردن درباره آیات قرآن از خودش نشان میداد و روش قرآن خواندن را مهدی بمن یاد داد با اینکه دو سال از من کوچکتر بود و بین افسرد خانواده تنها کسی بود که عشق به انقلاب وجودش را گرفته بود و شامه سیاسی داشت و نسبت به سن خودش بسیار شجاع بود و ترسی از تکثیر و پخش اعلامیهها نداشت.

محل کارم نزدیک دانشگاه است و آنروز مهدی به بهانه اینکه میخواهد برایم کاپشن بیاورد از خانه خارج شده و به جلوی دانشگاه که رسیده بود به تظاهر کنندگان پیوسته بود، بعد از شنیدن صدای شلیک چند تیر من هم به جلوی دانشگاه آمدم و چندتا از دوستانم را دیدم و آنها گفتند که مهدی با ما بود و موقع درگیری هر کدام بطرفی رفتیم و آنروز او هرگز بمن نرسید.

● مهدی از شاگردان خوب کلاس بود و در خواندن درس سعی زیادی میکرد و اخلاق بسیار پسندیده در خانه داشت و با همه اعضای خانواده گرم بود، پدرم علاقه خاصی نسبت به او داشت با اینکه بروز نمیداد ولی ما میدانستیم، گاهی اوقات که بیامم اختلاف نظری پیدا میکردیم مانند همه برادرها، ولی همیشه گذشت از او بود و طوری رفتار میکرد من که برادر بزرگش بودم از گذشت و جوانمردیش شرمسند میشدم و ادب.

● شهید مهدی دوستان زیادی داشت که اغلب آنها همکلاسیهایش بودند و هرروز باهم بدنبال تکثیر و پخش اعلامیه میرفتند و تا روزهای آخر هم من نفهمیدم که آنها اعلامیهها را کجا تکثیر میکردند ولی بعدها متوجه شدم که یک دستگاه ساده خودشان ساخته بودند که به توسط آن دستگاه اعلامیه تکثیر میکردند و چند هفته بعد از شهادتش

مهدی عاشق امام بود

روز چهاردهم از بیمارستان امام خمینی مردم تشییع کرده و به اینجا آوردند و من متوجه شدم، روزی که به



بیمارستان مسقرتیم و شهیدی را که مردم تشییع میکردند برادرم بود و ما نمیدانستیم.

● انگیزهای که باعث شد برادرم برای تظاهرات به دانشگاه برود این بود که چون آنروز روز هجرت امام بود و در مدرسه مهدی به اتفاق چند نفر از همکلاسیهایش قرار گذاشته بودند که برای اعتراض به دانشگاه بروند. صبح پدرم ما را برای نماز بیدار کرد، بعد از خواندن

که چه باید بکنیم و چگونه جنازه مهدی را پیدا کنیم بیشتر ترسمان از آن بود که ساواک جنازهها را از بیمارستان و پاپزشکی قانون گرفته و مخفیانه دفنشان کرده باشد و ما هیچ نشانی از قبر مهدی نداشته باشیم.

● چهار روز گذشت و

گرفتم و بعد از دادن نشانهای ظاهری مهدی گفتند که حتما باید خودتان بیاید بیمارستان و جنازههای شهدا را ببینید. چون آخر شب بود و وصیتی شبیه به حکومت نظامی در مقابل دانشگاه موجود بود شب رفتن را اصلاح ننیدم و فردا صبح زود

دوندگیهای ما نتیجهای نداد اما مصمم بودیم که هر طوری شده باید جنازه مهدی را که نمیدانستیم کجاست بدست بیاوریم. روز چهارم بود که به اتفاق پدر و عمومی به زندان جمشیدیه رفتیم. چون از بیمارستانها هیچ نتیجهای نگرفته بودیم، فکر کردیم که شاید دستگیر شده باشد. با زحمت زیاد و به احترام پدرم که یک روحانی است مشخصات مهدی را به

بادهای تماس گرفتم و به اتفاق ایشان به بیمارستان رفتیم. وقتی به مقابل بیمارستان رسیدیم مهدی را با شور هیجان زیاد تشییع میکردند و شعارهای کوبندهای که تا آنروز کمتر داده میشد مردم خشمگین و استوار شعار میدادند. ماه داخل بیمارستان رفتیم و بعد از دیدن چند جنازه که مهدی جزو آنها نبود از بیمارستان خارج شدیم در مقابل بیمارستان کامیونتهای گار مستقر بودند و عدای از روحانیون هم آمده بودند برای تشییع جنازه

هدیه می دادند که پس از شهادت مصطفی فهمیدیم که مخارج همه آنها را او تامین می کرد بدون آنکه کسی متوجه شود هر چه پول داشت در مسیر خدا خرج می کرد. و اما شهادت او را کامیابش بنا بر نامه کربلا مقایسه می کنم چرا که پس از شهادت مصطفی خمینی در منزل بگیریم تا دوستانش را دعوت کنیم و همچنین می دانیم شبی که امام حسین به شهادت رسیدند خاندانش اسنیت نداشتند و ما هم از ترس ساواک بمدت چند ماه یعنی تا پیروزی انقلاب، آسودگی نداشتیم و هر لحظه امکان ریختن به منزلمان را میدادیم ولی خدا را شکر میکنیم که خداوند اتمام حجت کرد و این نعمت بزرگ یعنی امام و انقلاب اسلامی را به ملت ما عطا کرد و نه تنها ما بلکه ۳۶ میلیون ملت مسلمان را از چنگال مغربیتی این خاندان کثیف آمریکایی نجات بخشید، که انشاء... هر چه زودتر از شردیگر مزدوران امپریالیسم از جمله صدام کافرو منافقین خلاصی ساییم، انشا...

می رفت با آنکه جوان بود اما در آمدی نسبتا خوب داشت و اکثر آنرا خرج مردم می کرد. خرید جهاز برای تازه روضان و فرش به مغربین را فراموش نمی کرد بخاطر دارم که در روز ۹ آبان در کنار سانسخت و وصیت کرد به او گفتیم که مصطفی راهی را که تو می روی از سه حال خارج نیست یا شهید و یا مجروح و یا دستگیر می شوی اگر زندان بروی و یا مجروح شوی تو را پیدا می کنم اما اگر کشته شوی چکار کنیم، گفت اگر کشته شدم اول من را در قطعه ۱۷ بهشت زهرا دفن کنید که در حال حاضر نیز در همانجا دفن شده است دوم آنکه هر چه برای نامزد خریدم به او تعلق بگیرد سوم آنکه هر مقدار که از هر کسی طلب دارم اگر داد، بگیرد و اگر نداد حق ندارید به سراغش روید و طلب را مطالبه کنید از کارهای دیگر او که پس از شهادتش متوجه آن شدیم آن بود که در مسجد محل هر ساله جشنهای باشکوهی برگزار می شد و طی آن به کودکان و نوجوانان لباس و کتاب

برابر باشد، و حس کردم که اینگونه یادداشتها به او حرکت تازه ای داده بود. یکشب مهدی را خواب دیدم و متوجه زخم سینماش شدم که خوب شده بود و گفتم که مگر تو نمرده بودی؟ با تسبیح گفت: شهید هرگز نمیرد! و صبح که از خواب بیدار شدم یک نشاط معنوی در من بوجود آمده بود و برایم بسیار اهمیت داشت.

● مهدی عاشق امام بود و شفته او، همین عشق به او قدرت و تحرک فراوان و بیش عخاصی داده بود، شهیدا مسرولیت بسیار سنگینی را

یکی از دوستانش به خانه آمد و گفت که این اعلامیهها را مهدی داده بود که تکثیر کنیم و برایش بیاورم که بدستش نرسد و من آنها را گرفته و پخش کردم.

● مهدی همیشه بک حالت فتراری داشت و نمیخواست که در چهارچوب خودش محدود شود و هرروز بیشتر از روز دیگر مطالعه میکرد و در تسنهائی شعر گونهائی هم میسرود و گاهی هم هنگام سرایش گریه میکرد.

● روز هفدهم شهریور در بطن تظاهرات بود و فوق العاده آنروز در روحیه مهدی اثر گذاشته بود و حتی عینک بیست و یکمی

● در پزشکی قانونی جنازه برادرم را از روی حال بزرگی که روی صورتش بود شناختم
 ● مهدی از شاگردان خوب کلاس بود و در خواندن درس سعی زیادی میکرد

بدوش جامعه گذاشته اند و این مسرولیت روز بروز بیشتر میشود همچنانکه با خونشان بار ظلمی که روی دوش مردم بود بر داشتند و به مردم مسلمان انقلاب اسلامی را هدیه کردند و با خون خود به انقلاب اسلامی حرکت دادند و هنوز هم حرکت میدهند و پای بر ما اگر بغواهییم از زیر بار مسرولیت شانه خالی کنیم و حرمت خون شهیدان را ندیده بگیریم شهیدانی عاشق که خودشان انتصاب کردند فدا بشوند تا اسلام زنده شود و مردم به دین شان دست پیدا کنند.

از خواهرانی که شهید شده در میدان را هم بیادگار برداشته بود و شب هفده شهریور که به خانه آمد حالت غریبی داشت مثل کسی که همه چیزش را از دست داده باشد و از آنروز حس کردم که با اینکه بروز نمیداد ولی ما میدانستیم، گاهی اوقات که بیامم اختلاف نظری پیدا میکردیم مانند همه برادرها، ولی همیشه گذشت از او بود و طوری رفتار میکرد من که برادر بزرگش بودم از گذشت و جوانمردیش شرمسند میشدم و ادب.

قطعه ای از سرودهای شهید مهدی
 سید قاطمی یکی از شهیدان سیزدهم آبان ۵۷
 یکی در راه حق خوش بریزد بلی یاران من اکنون همه خنده پلب دارند ولی دور از همه خوگان همه اشکی بچشم دارند.

اشغال لانه جاسوسی، پیامدها و برخوردها

در اختیار مجلس شورای اسلامی است تمام دنیا متوجه شد که ایران انتخابات پارلمانی را هم بزودی انجام میدهد و آثاری که این حرکت اشغال لانه جاسوسی چه در داخل و چه در خارج از ایران گذاشت آنقدر عظیم بود که بنظم بهترین تمپیر، همان سخنان امام بود که فرمودند، این انقلاب، بزرگتر از انقلاب اول است، و علیرغم همه این حرکتهاى مذبوحانه خطوط آمریکایی علیه اشغال لانه جاسوسی امام حمایت کرد و تا آخر نیز آنرا ادامه داد تا آنجا که در ارتباط با دانشجویان بود بخوبی انجام یافت و البته از آن مرحله به بعدش در اختیار دولت مجلس بود که به مقتضای شرایط زمانش تصمیم گیری کردند.

بگویند تا گزیر بودند که این مسئله را هم بگویند که در ایران سر نوشت گسروگانها که سین سین صدر و دانشجویان در گمشکست بود با اعلامیه و فرمان امام بدست مجلس شورای اسلامی افتاد پس همه دنیا متوجه شد که ایران هر چه سریعتر به استقبال انتخابات مجلس شورای اسلامی میرود یعنی ملوم میشود ایران از آنچنان نظم و آرامش برخوردار است که مردم به سمت انتخابات نمایندگان مجلس میروند و این چیزی است که در دنیا اگر کفوری کسرتین عدم اسنیت درش باشد از نزدیکترین آثارش این است که نمیتواند انتخابات کنند و این مسئله ای که امام دستور دادند سر نوشت گسروگانها

شکست بخورد باید گفت که فحش دادن عناصر وابسته به رژیم شاه هم باید موجب شکست امام و انقلاب باشد درست به عکس بود، از جرات و توهمین به امام، انقلاب اسلامی ما آغاز شد و دشمن نمیتواند ماهیت و حقیقت انقلاب را انکار کند یکی از دانشجویان مسلمان مقیم ایتالیا به من میگفت که علیرغم همه تبلیغات امپریالیستی که میگویند در

بقیه [۲ صفحه]
 تمام رادیو تلویزیونها و مطبوعات جهان علیه این انقلاب بودند و با تمام توان تلاش میکردند که کسی انقلاب و امام را نشاند اشغال لانه جاسوسی حرکتی بود که خودش را به مطبوعات و رسانه های گروهی جهان تعمیم کرد یعنی دشمن ترین وسایل ارتباط جمعی و مخالفترین مطبوعات علیه انقلاب

● وقتی امام با یکدنیا سکون و آرامش فرمودند «آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند» معلوم شد که چه کسی آمریکا را می شناسد.

بسمه تعالی
 مرکز پخش و محل فروش کتب اسناد لانه جاسوسی چادر وحدت (خیابان انقلاب جنب در ورودی دانشگاه تهران)
 کلیه روزها بغیر از جمعه ها از صبح ساعت ۸ الی ۱۲ و عصرها از ساعت ۳/۲ الی ۸ شب.

ایران انضباط و نظم نیست و هرچ و مرج حاکم است و از این قبیل تبلیغاتی که میگرداند امام ما با یک حرکت به جهان نشان داد که روز بروز در ایران امور روبه نظم و انسجام خود پیش میرفت او می گفت وقتی در مسئله سر نوشت گروگانها که بنی صدر سعی میکرد آنرا بدست خودش بگیرد و دانشجویان موافق نبودند، امام در ضمن چند سطر اعلامیه اعلام کردند که تصمیم درباره گروگانها برعهده مجلس شورای اسلامی است، گفت چون در این مسئله مجبور بودند خبر گروگانها را در روزنامهها و اخبار خود

اسلامی ایران از جمله مطبوعات صهیونیستی آنها هم ناچار بودند انقلاب ایران و اشغال لانه جاسوسی را مطرح کنند و با تمام توان جلوه می کردند این حرکت را به بد جلوه دهند بهر حال ناگزیر بودند از تصمیم گیریهایی که در این جا میشود و رهبری سخن آوزند ولو عده ای خیال کنند که به انقلاب از این طریق صادر شد ولی مطبوعات و رادیو تلویزیونها مرتبا فحش دادند ولی فحش دادن دشمن یکی از عوامل صدور حرکتی است، اگر با فحش های دشمنان گروهی جهان به انقلاب ایران موجب شود تا انقلاب ما

اشغال لانه جاسوسی، پیامدها و بر خوردها

بقیه ۷ صفحه

سازمان معاهدین، ضربهای اساسی را در کجا حورده است یکی از آنها در جریانات اشغال لانه جاسوسی بود و اگر اشغال لانه جاسوسی پیش نیامده بود تا این حد جامعه به عمق صگر و خدمتها و عملهای آمریکایی پی نمی برد، که چگونه آمریکا صهرهایی را می سازد و در درون جامعه در طول سالیان دراز وجه المله جلوه میدهد تا در یک لحظه حسابی بردشان بخورد و اشغال لانه و افشای اسناد همه این فضاها را بر ملا گرد و نشان داد که چرا آنها از قبل از انقلاب با شیوههای عمل امام مخالفت میکردند، چرا آن خط مبارزاتی امام را سعی میکردند تا به سمت و جهت دیگر سوق دهند، چرا بعد از پیروزی انقلاب اینقدر با امام مخالفت کردند، چطور ممکن بود که عدای در پرتو یک انقلاب به مناسی برسند و قلها را بنهانشان آزاد شود بعد علیه امام بسی انقلاب دست به کار شوند، بعدها روشن شد که همه آنها درپشه با یکدیگر و در حقیقت به غرب و آمریکامتل بودند منتهی در میان این نیروها افرادی مسلمان و متدین بودند و هستند اما منافات ندارد که هم مسلمان بنهوند و هستند اصاحر کشتان در جهت منافع امریکاست. مردم بدانند چگونه ممکن است مردی مسلمان و متدین نماز خوان و قرآن خوان و قرآن فهم تا حدودی، اما در جهت امریکا گام بردارد، وقتی به تاریخ اسلام بر می گردیم به این مسئله بر خوریم میبینیم که چطور می شود افرادی در کاب پیغمبر آن همه مبارزه کرده اند و شنشیر زده باشند اما بعد هم با شمشیر اسلام کشته شوند مثل طلحه و زبیر و افرادی نظیر آنها. مسلما حقیقت یک چیز بیشتر نیست و هر چه غیر از آن هست باطل است ولو در شکلهای مختلف و روزی این باطل در نهایت باطل خودش را نشان میدهد، اسلام یک چیز بیشتر نیست، خوب اگر چنانچه آن اسلامی که فقط یک حقیقت است و فقط علی بن ابیطالب میگوید پس هر که با این علی مخالفت کند معلوم میشود که در یک جای خرابی دارد، مسئله

در پشت پرده با امریکا می سازند و معلوم شده که امروز دوره ساز کسیم تمام شده و نمسی تواند توده را بر علیه امریکایی کند در هر جا هم که یک حرکت موضعی ایجاد کند در همانجا امریکا مهارش میکند. بطور کلی حرکت اشغال لانه جاسوسی یک حرکت مقطعی از خط امام بود. که هر که با آن حرکت مخالفت کرد آخر الامر سراز امریکا در آورد.

از آثار دیگر اشغال لانه جاسوسی بسج عظیم تودهای و ایجاد یک وحدت در بین جامعه در شرایط وزمانی که شدیداً به آن وحدت نیازمند بودیم که امریکا بعد از ضربهای که از پیروزی انقلاب خورده بود سرعت شروع کرده بود با انواع وسایل تبلیغاتی انقلاب را از درون خراب کند به اینطور که مردم را کم نسبت به انقلاب خودشان تر دید. بیاندازد و مردم شک کنند که آیا این انقلاب آنچه را که ما میخواستیم میتوان انجام دهد. روزنامه های آن روزگار که چندان تفاوتی با روزنامه های

ضربه می خورد یعنی همانطور که با ضربه خوردن به شاه رژیم متلاشی شد دیگر بعد از شاه نتوانست چندان دوام بیاورد و به تعبیر امام کنگرهای حکومت شاه یکی پس از دیگری بعد از فرار شاه سقوط کرد که آخرین ارتش هم تسلیم شد، با ضربهایی که با اشغال لانه جاسوسی به محور اصلی که امریکا بود وارد شد می بینیم که همه جریانهها و خطوط وابسته به امریکا به تدریج متلاشی شدند و خودشان را نشان دادند. پس از آن رشد در تودهای عظیم مردم نیز ایجاد شد که این خطوط و جریانهها را شناختند می بینیم که روزنامه آیندگان و باامداد مورد حمله قرار میگردد و بعد حساسی و هم پیمانی بعضی از عناصر وارد شده در حکومت را با این روزنامه می بینیم در همان موقع ناصر میناجی در وزارت ارشاد است آیندگان و این روزنامهها از نظر امام و مردم محکوم میشود بعد می بینیم که ناصر میناجی حمایت میکند. بعد مشاهده میکنیم که دکتر ممکن نیز در جهت حمایت از این

متعدای چنین چیزی را احساس نمی کرد یعنی میتوان گفت که هر کاری درست در وقت خود در این انقلاب انجام شده، همان جامعه ای که آمده رای داده وقتی بلوغ ورشد سیاسی پیدا میکند خودش بلند میشود و بر احوالی ضربه را وارد میکند و می بینیم جریانی که خود را آنقدر روم کرده نشان میداد یعنی جریان بنی صدر، واقعیت نداشت که آنقدر نیرو داشته باشد، هباینکه جامعه همسید قضیه از چه قرار است او را از جایش کنسازد، احق ترین گروه سیاسی در تاریخ معاصر و در همه گروههای سیاسی همین سازمان منافقین است که هیچ گروه سیاسی اینقدر با حماقت عمل نکرده این نیست جز از اصلت انقلاب که اشغال لانه جاسوسی بخشی از افشای آن بود.

شکستند، آمریکایی که گمان میکردند حتی به گوشه چشم نباید آنرا دید و اصلاً نمیشود با امریکا طرف شد مگر اینکه در دامن شوروی رفت. بنابراین سایه شوم سیاسی و حشت امریکا در قلوب مردم مستضعف جهان با این حرکت دریده شد و همه متوجه شدند که میشود با امریکا جنگید و مبارزه کرد، منتهی جنگ با امریکا با همان سلاحی نیست که خود امریکا میسازد این به سلاحی احتیاج دارد که مردم ایران آن سلاح را پیدا کردند و اگر مردم در منطقه و کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، مستضعفین این حربه را بپذیرند آنها هم میتوانند با امریکا مبارزه کنند و این حربه ای است که چون امریکا نمیتواند مشابه آنرا بسازد شدیست از آن وحشت دارد و



آثار عظیم دیگری اشغال لانه به همراه داشت و آن سهام بخشی به مستضعفین در سایر کشورها بود اینکه یک ملت با پشت سر گذاشتن یک انقلاب با آن همه کشتار، همین صلت دو باره بر خاسته برای مبارزه با امریکا و هیچ احساس ترس هم نمی کند آن

*** یکی دیگر از آثار اشغال لانه جاسوسی صادر شدن سریع انقلاب اسلامی بود.**
*** اشغال لانه جاسوسی اسلام و رهبری انقلاب را سرعت به جهانیان شناساند.**
*** همه دنیا تلاش می کردند که کارتر برای بار دوم انتخاب شود، حتی بعضی از رهبران سازمانهای معروف انقلابی امروز دنیا، به مسئولین حکومت ایران تاکید می کردند که گروهانها راه چه زودتر آزاد کنید تا کارتر بتواند برنده شود.**
*** اشغال لانه جاسوسی حرکتی بود که خود را به مطبوعات و رسانه های گروهی جهان تحمیل کرد.**
*** در جریان اشغال لانه جاسوسی گروهکهای به اصطلاح ضد امپریالیستی سخت به وحشت افتادند زیرا دیدند که مبارزات ضد امپریالیستی که باید دست آنها باشد تا هر وقت که خواستند مهارش کنند و یا به آن شتاب دهند و با جامعه بازی کنند ریشه داری در جامعه درآمد.**
*** دستجات سیاسی در ابتدای اشغال لانه جاسوسی سخت به وحشت افتادند و با آن به مخالفت پرداختند.**

در این سفر اخیر هیئت اعزامی از طرف مجلس به کوپا نقل کردند که کاسترو هم میگفته شما برای اولین بار تنها کشور کوچکی بودید که از آن طرف دنیا انتصابات داخل امریکا را نقض و تعیین میکردید و ضحاً بودید که می توانستید تصمیم بگیرید که کارتر و ریگان بمانند در کار کشوری که سالیان دراز امریکا برایش تصمیم میگرفت این کشور با یک حرکت انقلابی به حالتی در آمده که حالا تصمیم میگیرد در امریکا کارتر نباشد و اینها ارزشهایی است که هر حرکت انقلابی لانه جاسوسی آورده و به دنیا این الهام را داده اینها اسباب مقایسه با منافع و پولها و اجناس ما نیست که در دست امریکا بوده اصولاً کسانیکه اینگونه مقایسه میکنند مسئله ارزشهای انقلاب واقف نیستند، این مسئله را هیچ کشوری حتی شوروی با آن قدرش نمی تواند چنین الهامی به جهانیان دهد که ما که شوروی هستیم می توانیم در سرنوشت انتخابات مردم امریکا دخالت کنیم اما این را که نسل امروز بدانند که یک ملت کوچک بدلیل داشتن مکتب بسیار بزرگ و حرکت آفرین وجود دارد که با انکای آن میشود چنین کاری را کرد این از ارزشهای بود که اشغال لانه جاسوسی آنرا آفرید و این الهام را به جهان داد و مردم بخوبی بیاد دارند که پس از اشغال لانه جاسوسی در دنیا چه اتفاقاتی افتاد بخصوص دانشجویان کشورهای اسلامی تظاهرات میکردند و برای امریکا مسئله آفریدند و بدر یک مبارزه ضدامپریالیستی را در کشورهای اسلامی و بعضی کشورهای غیر اسلامی در آن روز پاشیده شد و این بدر روزی که خیلی هم طول نخواهد کشید شد خواهد کرد و به نمر خواهد رسید. آثاری که اشغال لانه جاسوسی داشت بسیار زیاد بود، تعمیق انقلاب در داخل کشور، صدور انقلاب به خارج از ایران و بخصوص کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، معرفی گردن ظهور یک رهبری جدید در انقلاب برای مبارزه با امریکا دنیایی که ما در تسلطش به هیچوجه نمی توانستیم تاثیر بسزایم

*** پرمدعترین گروه سیاسی ما مدعی مبارزه ضد امپریالیسم در ایران گروه منافقین خلق بودند، این گروه چندین روز اول مخالفت کرد بعد چون دید آبرویش می رود موافقت کرد بشرط آنکه جامعه بپذیرد که این دانشجوی خط امام بدستور آنها این کار را کرده اند.**
*** منافقین اول و آخر جریان جاسوسخانه مخالفت کردند تنها مدتی برای آنکه مردم و دانش آموزان رادرمدرس و راهنمائیهها و دبیرستانها اغفال کنند موافقت کردند.**

وحتی که امریکا با آن قدرت عظیم نظامی و تکنولوژی در کل جهان در همه تودهای مستضعف ایجاد کرده بود و این حرکت وحشت را از بین برد و اینکه امام میفرمایند که این انقلاب بزرگتر از انقلاب اول است یعنی در آن انقلاب مردم یک دست کوچکی بنام شاه را شکستند اما در این انقلاب یک بت بزرگ را

مطبوعات است خوب آن روزگار جامعه شاید برایش نمی توانست روشن شود که چطور میشود یک فردی مثل دکتر ممکن که دامه مبارزه ضد امپریالیستی دارد و آنچنان مقام رفیعی برای خودش در میان نیروهای مترقی قائل است که کسی را به این سدگسی قبول ندارد چطور ممکن است از این روزنامه حمایت کند، این حرکت اشغال لانه جاسوسی که بخشی از حرکت خط امام بود به همان اصلت انقلاب آنقدر عمیق ورشدار بود که همه این نقابها را درید و چهرهها را آشکار کرد و چهره های منافقین روشن و کمتر انقلابی است که اینطور بعد از پیروزی چهارمهای منافقین روشن شود بطوریکه فقط حکومت نباشد که ناگزیر از تصفیه آنها از جامعه باشد بلکه مردم هم در جهت تصفیه گردنشان برآیند اگر یک چنین گروهی همچون سازمان منافقین در هر حکومتی بسعزاز انقلاب وجود داشت، آن حکومت در مقابل این گروه به مقدار زیادی عجز خودش را احساس میکرد اما در ایران می بینید که هرگز چنین نیست اولاً حکومت زمانی برای تصفیه اینها تصمیم میگیرد که مردم به این بلوغ سیاسی رسیده اند یعنی جامعه احساس میکند که این سازمان نباید باشد در صورتیکه این جسامه بعد از پیروزی انقلاب و مساهمهای